

## مقدمه

فرار از خانه از جمله رفتارهای شایع در بین کودکان و نوجوانان است، که می تواند تبعاتی نیز برای انسان و خانواده هایشان و حتی جامعه در پی داشته باشد. اگر چه در نگاه اول فرار پدیده ای فردی به نظر می رسد، اما با توجه به پیامدهای سوء آن برای جامعه، باید آن را از آسیب های جدی اجتماعی به حساب آورده و فرار را یکی از زمینه های گسترش بزه و انحراف در جامعه دانست. در طی سالهای اخیر در ایران مطالعاتی صورت گرفته است که از بحرانی شدن این مساله در سطح جامعه حکایت دارد & آمارهای منتشر شده در این باره نیز هر روز ابعاد نگران کننده تری را نشان می دهند که بیانگر جریان روبه رشد این معضل اجتماعی در سطح جامعه می باشد این جریان در حالی وقوع می یابد که جامعه ی ایران در حال گذر از جامعه ای سنتی مبتنی بر اقتدار نظام پدر سالارانه و حفظ حرکت خانواده به جامعه ای با معیارهای جدیدی است که در آن آنچه اهمیت دارد فردیت است و سنت ها تا جایی از اهمیت و حرکت برخوردارند که به آزادی فردی لطمه نزده و اقتدار فردی را تثبیت کند.

به طور طبیعی افراد جامعه در طیفی میان این دو ارزش قرار داشته و رفتارهای متفاوتی را از خویش بروز می دهند و البته تاثیر این تناقض ارزشی در میان نوجوانان و جوانان بیش از سایرین مشاهده می شود زیرا که نوجوانان به دلیل ویژگی های شخصیتی خاص خود جویاین نوآوری کسب ارزش های نوین زندگی و تجربه اندوزی شیوه های جدیدی از زندگی اند که در مواردی در تناقضی آشکار با

نسل های پیشین می باشد. این تناقض که عرصه های متفاوت زندگی افراد جوانان جامعه را تحت تاثیر خود قرار می دهد خود باعث می شود تا اقتدار پدر به خصوص در خانواده های از هم گسیخته و یا دارای روابط زورگویانه به عنوان محور خانواده زیر سوال رفته و جوانان برای حفظ هویت فردی خویش خانواده را در مقابل حفظ فردیت خود رها کرده و بدون هیچ ماوا و سرپناهی به خارج از خانه پناه ببرند و زندگی جدیدی را تجربه کنند. این تنهایی به علاوه فقدان نهادهای حمایتی رسمی و همچنین وجود سنت هایی که امکان بازگشت مجدد آنان را به منزل محدود می سازد، خود عاملی در دامن زدن به پیامدهای این عمل اجتماعی است. بنابراین با توجه به عوامل فوق می توان گفت پدیده ای فرار در ایران و کشورهای که از نظر ساختارهای اجتماعی مشابهت نزدیکی با ایران دارند اما پیامدهای گسترده تری را به همراه داشته که بیانگر ضرورت توجه جدی تری به این معضل در این گونه کشورها است.

جامعه ایران در حال گذر از جامعه ای سنتی مبتنی بر اقتدار نظام پدر سالارانه و حفظ حرمت خانواده به جامعه ای با معیارهای جدیدی است که در آن آنچه اهمیت دارد فردیت است و سنت ها تا جایی از اهمیت و حرمت برخوردارند که به آزادی فردی لطمه نزده و اقتدار فردی را تثبیت کنند.

آمار روبه گسترش موجود در منابع تحقیق نشان می دهد که روز به روز به تعداد کودکان و نوجوانانی که به علل گوناگون خانه و خانواده را ترک می کنند افزوده می

شو. این افزایش همراه با نبود تناسب حمایت های دولتی در ساماندهی چنین افرادی  
بیش از آنچه تصور می رود بر مشکلات موجود افزوده و باعث می شود تا این  
معضل . ابعاد پیچیده تری یافته و به طوری بدیهی شیوه های مقابله با این پدیده نیز  
دشووارتر شوند. نگاهی به آمارهای موجود در این زمینه در سطح داخلی و جهانی  
گویای این واقعیت است.

بر اساس گزارش سازمان بهداشت جهانی سالانه بیش از یک میلیون نوجوان بین  
سنین ۱۹ تا ۱۳۰ سال از خانه فرار می کنند، که ۷۴ درصد آنان را دختران تشکیل می  
دهند. با توجه به روزافزایی آمار خانه گریزی دختران و آسیب های جدی ای که از  
این اتفاق متوجه افراد خانواده ها و به تبع آن جامعه می شود و از آنجا که سرزمین  
ایران به علت بافت جمعیتی جوانی که دارد و نیز نقش اساسی نوجوانان و جوانان در  
سازندگی آینده ی کشور می توان به اهمیت و ضرورت تحقیق و پژوهش در این  
زمینه پی بود. لذا سوال اصلی در این است که مهمترین زمینه های خانه گریزی  
دختران چیست؟

## تعریف واژه ها و اصطلاحات

تعریف نوجوانی (Adatsence) و مرحله های آن

نوجوانی : نوجوانی عبارت است از دوره ی نهایی تکامل انسان، که به بزرگسالی  
منتهی می شود. مرحله ی بلوغ جنسی در وضعیت تحویل به هنجار در دوره ی  
نوجوانی به وقوع می پیوندد.

مرحله های دوره ی نوجوانی: از دیدگاه بسیاری از فرهنگ های روان پزشکی نوجوانی برای تمام دختران و پسران دنیا به سه مرحله اوایل (۱۴ - ۱۱ سالی) اواسط (۱۷ - ۱۴ سالی) و اواخر (۲۰ - ۱۷ سالی) تقسیم می شود.

### تعریف پدیده ی فرار

(انگلیسی Ruttavay به فرانسه Eration)

فرار عبارت است از شانه خالی کردن از بار مسئولیت و شرایط مطلوب و یافتن اوقات فراقت بیشتر این فرار گاهی برای رسیدن به این هدف که اوضاع سخت زندگی اجازه ی ابراز وجود انسانی را به کسی نمی دهد.

## دختران فراری:

این اصطلاح به دخترانی اطلاق می شود که به هر دلیلی عرصه ی محیط خانوادگی را بر خود تنگ می بیند و نمی توانند زندگی آرام و طبیعی داشته باشند به همین دلیل خانه را ترک می کنند و زندگی خارج از خانه را ترجیح می دهند که مدت آن ممکن است بیشتر از یک شبانه روز باشد.

## انواع فرارها

متخصصان و صاحب نظران انواع گوناگونی از فرار را تعریف کرده اند که در زیر به گونه هایی از فرار اشاره خواهد شد:

### - فرار عکس العملی

این نوع از فرار نشانگر اختلال در چگونگی نحوه ارتباط میان نوجوانان و محیط است در این حالت از فرار به مثابه روشی برای بیدار کردن و هشدار دادن استفاده می شود برای مثال وقتی که نوجوان در خانه مورد فراموشی فرار می گیرد والدین غرق در فعالیت روزمره خود باشند. در این وضعیت به طور معمولی بیشتر شاهد بروز این گونه فرار نوجوانان خواهیم بود.

## علل فرار

دکتر مصطفوی، روانشناس در این باره توضیح می دهد: « شاید بتوان به جرات گفت ناسازگاری والدین علت اصلی فرار دختران است. طبق بررسی هایی که انجام شده 5/19 درصد ناسازگاری با والدین، ۱۶ درصد اغفال، ۱۳ درصد عدم امنیت در خانواده، ۱۵ درصد وضعیت اقتصادی، ۱۲/۵ درصد طلاق، ۷ درصد گرایش به مسایل انحرافی، ۱۲/۵ درصد ازدواج های ناموفق، ۲/۳ درصد اعتیاد و ۵ درصد مشکلات روانی عامل فرار دختران بوده است. همچنین تحقیقات نشان می دهد که ۳۵ درصد دختران فراری سابقه اعتیاد به مواد مخدر چون هروئین و تریاک را دارند . تحقیقات نشان می دهد که ۲۵ درصد دختران فراری هروئین، ۲۸ درصد تریاک، ۱۵ درصد حشیش و ۳۱ درصد سیگار استفاده می کنند. آن چه مشخص است این که دختران پس از فرار برای تامین نیازهای خود اقدام به سرقت و خود فروشی می کنند، آنان در همین مرحله است که گرفتار باندهای فحشاء می شوند».

اخبار حاکی از آنند که اکثر دختران فراری پس از بازگرداندنشان به خانه مجددا اقدام به فرار می کنند. دخترانی که از خانواده روی گردان شده و فرار می کنند بارها از سوی اعضاء خانواده خود مورد ضرب و شتم قرار گرفته اند؛ اعمال محدودیت همچون زندانی کردن و تمسخر و تحقیر کردن موجب می شود که فرد فضای خانه را برای ماندن غیر قابل تحمل دانسته و اقدام به فرار مجدد نماید.

این استاد دانشگاه گفت: «طبق بررسی های انجام شده تنها در ۱۴ درصد موارد خانواده پس از بازگشت فرزندشان رفتار مناسب داشته اند. نکته مهمتر اینکه بسیاری از این دختران از سوی نزدیکان خود مورد تعرض قرار می گیرند طبق آمار ۳۶ درصد دخترانی که از خانه مجددا فرار می کنند از سوی اعضاء خانواده مورد سوء استفاده قرار می گیرند؛ ۳۳ درصد تنبیه، ۶ درصد به گدایی و ۱۳ درصد به خرید و فروش مواد مخدر وادار می شوند».

این روانشناس در ادامه تشریح کرد: «در ۷۰ درصد موارد والدین مسبب فرار دختران می شوند جالب است بدانید که سن فرار دختران از ۱۶ سال به ۱۴ سال کاهش یافته است. با وجود آنکه مسولان سعی دارند با این معضل برخورد نمایند؛ اما آمار نشان می دهد که پدیده ای به نام فرار دختران رو به افزایش است به طوری که هر سال ۱۵ تا ۲۰ درصد به آمار قبلی اضافه می شود».

باید توجه داشت جمع آوری، و بازگرداندن این دختران به خانه به تنهایی راه حل مناسبی نیست، تا زمانی که فضای خانه و رفتار والدین تغییر نکرده باشد تمامی این عملکردها بی نتیجه خواهد ماند. اگر کانون خانواده به لحاظ عاطفی از پایه های محکمی برخوردار باشد و دختران نسبت به آن چه که پس از فرار در جامعه آنان را تهدید می کند آگاه شوند به طور قطع آمار فرار کاهش خواهد یافت. آن چه که پس از فرار در انتظار این افراد است، اعتیاد، فحشاء و ولگردی است، بنابراین خانواده ها و نوجوانان باید آگاه بشوند.

همچنین می توان شکاف بین نسلهای قدیم و جدید، ازدواجهای اجباری و تعصبات افراطی مذهبی و تربیتی و مهمتر از همه کمرنگ شدن روابط عاطفی بین والدین و فرزندان را از مهمترین دلایل فرار جوانان از محل زندگیشان ذکر کرد.

آنچه مسلم است زمانی که دختران فراری از تامین غذا، پوشاک و سرپناه برای استراحت ناتوان شوند، حاضر به انجام هر کاری خواهند بود. وجود دختران فراری و سرگردان در خیابانها، پارکها و اماکن عمومی، افراد سودجو را به وسوسه میاندازد که با تشکیل گروه یا باندهای متشکل از جوانان فراری، برای نیل به اهداف پلید خود اقدام کنند.

با شکل گیری گروههای فساد و جذب و اغفال دختران و پسران فراری باندهای تبهکار و فساد پس از گذشت اندک زمانی تکثیر شده و هر عضو باند بدنبال تشکیل باند دیگری رفته و به تدریج جامعه با افزایش این گروهها روبرو میشود.

بیشتر کسانی که از خانه فرار میکنند، به دلیل روابط ناسالم اخلاقی و رعایت نکردن نکات بهداشتی دیر یا زود به انواع بیماریهای مزمن و خطرناک نظیر بیماریهای مقاربتی دچار میشوند.

در این میان ایجاد یک رابطه سالم بین اعضای خانواده، تبعیض قائل نشدن والدین بین فرزندان، شناخت و آگاهی والدین از روحيات جوانان و مهمتر از همه ترویج عقاید دینی و مذهبی و درونی کردن آن برای نوجوانان و جوانان، از عوامل مهم کاهش



آسیب های اجتماعی و فرار جوانان است که باید در خانواده ها مورد توجه قرار گیرد.

### **فرار برای راحت زندگی کردن:**

در مواردی که خانواده نوجوانان سخت گیر باشند و نوجوان نیز وجود آنها را مانعی در انجام برخی از کارهایش می داند.

تا حدی که نمی تواند آنگونه که می خواهد زندگی کند از خانه گریخته و سعی می کند در خارج از خانه به آزادی های مطلوب خود دست یابد.

### **فرار برای ساختن آینده ای بهتر:**

در این حال نوجوان به دنبال شکل دادن به زندگی و ساختن آینده ای بهتر برای خود است اما اوضاع موجود نیز از نظر وی این امکان را برایش فراهم نیاورده است بنابراین به فرار روی می آورد. در این حالت از فرار نوجوانان کمتر به ارتکاب خلاف و بزه متمایل می شوند.

### **عامل ها و زمینه های فرار**

باید توجه داشت که دختران در سنین پایین زندگی، نیاز مبرم به مراقبت و مواظبت والدین دارند زیرا اگر آنان در دوران کودکی به حال خود رها شوند. بدون بهره گیری از وجود یک مربی و راهنمای دلسوز رشد خواهند کرد و به راه های نادرست کشیده خواهند شد و چه بسا به دام افراد نایاب درافتند و به سوی جرم و جنایت کشیده شوند. متأسفانه برخی از والدین بر اثر نداشتن سواد کافی نسبت به تربیت

فرزندان خود غفلت می کند و گاهی اوقات هیچ توجهی به تربیت آنان ندارند و بدین ترتیب ضربه ی سنگینی را بر استحکام خانواده و جامعه وارد می آورند از سوی دیگر برخی از خانواده ها به واسطه ی طلاق از هم پاشیده می شوند و در این میان فرزندان بی گناه قربانیان این از هم پاشیدگی هستند علاوه بر مطالبی که ذکر شد علت های فراوان دیگری نیز وجود دارد که همه و همه دست به دست هم می دهند و اوضاع را برای یک دختر نوجوان و یا جوان طوری فراهم می کنند که تمام خطرها را به جان بخرد و خانه را ترک کند.

به طور کلی دلیل های زیادی برای فرار کودکان و نوجوانان بیان شده است که اکثریت این علت ها بین دختران و پسران مشترکمی باشد و می توان آنها را به اشکال گوناگون بیان کرد.

**برخی از علت های مهم فرار چنین بیان شده است:**

(۱) وجود وضعیت تنبیهی و اذیت و آزار والدین و طاقت فرسا بودن وضعیت

زندگی برای فرد

(۲) به دلیل انتقام گرفتن از یک فرد یا اعضای خانواده

(۳) داشتن خانواده های از هم گسیخته

(۴) خواهر یا برادر بزهکار و تشویق به فرار از سوی آنان

(۵) برنامه ریزی نامناسب در مدرسه و افت تحصیلی کودکان و نوجوانان

۶) تعارض بین آموزش های خانواده و تعالیم مدرسه که کودک قدرت انطباق خود را مقرر ت مدرسه ندارد و فرار می کند.

علت فرار را به گونه ای دیگر نیز می توان بیان کرد. دلیل های متعددی در ایجاد زمینه های فرار دخیل می باشد که می توان آنها را تحت عنوان عامل های اقتصادی اجتماعی فرهنگی و خانوادگی بررسی کرد:

- ۱) اقتصادی : شامل فقر و بیکاری، زیاده خواهی و انتظارهای نابجای مالی.
- ۲) عامل های اجتماعی شامل رشد به رویه ی شهرنشینی، مهاجرت رشد سریع جمعیت بی عدالتی در توزیع صنایع و خدمات فقدان و کمبود امکانات زیربنایی مانند آموزش بهداشت آب و جاده در مناطق دور افتاده.
- ۳) عامل های فرهنگی بنیادهای اعتقادی. در برخی از خانواده های تاثیر رسانه های همچون ماهواره و اینترنت و غیره و مندگرایی
- ۴) عامل های خانوادگی : خانواده پرجمعیت مرگ والدین اعتیاد والدین سوء استفاده های جنسی بی سواد والدین سابقه ی زندان بین والدین و یا سایر اعضای خانواده و....

به هر حال در زمینه ی فرار و عامل های موثر بر آن تاکنون مطالعات و تحقیقات شایان توجهی صورت نگرفته است هر چند که با بحرانی شدن وضع در چند سال اخیر پژوهشگران علوم انسانی و اجتماعی توجه بیشتری به این مسایل معطوف داشته اند البته غالب تحقیقات به عمل آمده به رغم اهمیت

فراوانی که دارند به هیچ وجه با توجه به اهمیت مساله به لحاظ کیفی و کمی جامعه نبوده و همواره نیاز به مطالعه و تحقیقات گسترده تری دارد.

### فرار دختران در گذشته

در اینجا بررسی تحلیلی بخشی از مطالعات مربوط در این زمینه که طی چند دهه ی اخیر صورت گرفته است می پردازیم در ابتدا به دو تحقیق که در سال ۱۳۵۳ در خصوص فرار انجام شده است اشاره می نماییم تا مقایسه ای نیز میان عامل های فرار دختران در قبل و بعد از انقلاب اسلامی نیز صورت گیرد در تحقیقی با عنوان علت ها و عامل های فرار نوجوانان از خانواده که از طریق روض پیمایشی و با استفاده از پرسش نامه از ۵۰ نوجوان و جوان فرای ۱۸ - ۱۲ ساله صورت پذیرفته است.

یافته های موجود از بررسی وضعیت این ۲۵ دختر و ۲۵ پسر نشان می دهد که فقر مالی و فرهنگی کمبود سخت گیری تبعیض نبود تفاهم با افراد خانواده خشونت های خانوادگی دعوای پدر و مادر و خلافکاری بعضی افراد خانواده در فرار نقش موثری دارد. بیشتر فراریان متعلق به خانواده های سخت گیر و اعمال کننده تنبیهات بدنی هستند که از طرز سرپرستی اولیات خود در خانواده اظهار نارضایتی کرده اند.

نوجوانان فراری بیشتر در سنین ۱۴ تا ۱۶ سالگی قرار داشته و ۶۴ درصد از آنان نیز تمایلی برای بازگشت به خانواده ابراز نکرده اند این امر نشان می

دهد که دلگیری بیش از حد نوجوانان از محیط خانواده نقش مهمی از این فرآیند را بر عهده دارد.

در تحقیق دیگری که به بررسی علت های فرار دختران از خانواده پرداخته است با استفاده از روش پیمایشی، اطلاعاتی کسب و مورد تحلیل قرار گرفته است. در این بررسی مشخص شد که دختران فرار به دلیل نداشتن خانواده به ناچار با نا پدری با نا مادری و یا تحت سرپرستی دیگران زندگی می کنند. در این وضعیت علاوه بر ستمگری و کج خلقی سرپرستان خود نیز با فشار جسمی و روانی زیاد مواجه هستند مسایلی نظیر فقر مالی و نامناسب بودن اوضاع اقتصادی و اختلاف ها و تنش های خانوادگی بیش از پیش سبب موفق نبودن آنان در امر تحصیل شده و به لحاظ برخوردار نبودن از کانون خانوادگی وجود فقر اقتصادی و فرهنگی و همچنین مصاحبت و رابطه با افراد نامناسب امکان ارتکاب به جرم را در فرد افزایش می دهد.

## افزایش فرار دختران

به رغم اینکه مسئولان و متولیان امر خیر از آسیب شناسی پدیده فرار دختران از منزل و نیز ساماندهی دختران فراری می کنند، با این حال معضل پدیده فرار دختران هر روز پر رنگ تر شده و هر ساله با روند تصاعدی ۱۵ تا ۲۰ درصدی مواجه می شود.

- رایه آمارهای روبه افزایش در رسانه ها و رویت این دختران در معابر عمومی بر نگرانی بیش از پیش دامن می زند و تبعات منفی آن به عنوان یک عارضه و آسیب اجتماعی ، تاثیر بسیار نامطلوب بر جامعه می گذارد. از طرف دیگر کنش خانواده ها در برابر این گونه پدیده ها یا به سختی و با واسطه برخوردهای نادرست هرگز جبران نمی شود.

- در بسیاری موارد فرار دختران از خانه از روی ناآگاهی، در پی یک اقدام عجولانه و حتی یک مشاجره لفظی بین والدین و فرزندان رخ می داد، اما متأسفانه طی یکی دو سال گذشته تحقیقات بیانگر این واقعیت تلخ است که فرار دختران بدون برنامه ریز قبلی و بر اساس یک تصمیم لحظه ای اتفاق نمی افتد بلکه فکر فرار از چند ماه پیش در این دختران شکل گرفته بوده متأسفانه به واسطه جنسیت زنانه، این افراد دایما در آستانه پیشنهاد برقراری رابطه جنسی قرار دارند. این پیشنهادات به دو طریق مستقیم و غیرمستقیم به دختران گریخته از خانه منتقل می شود و مهم ترین عارضه روحی برقراری

رابطه نامشروع، احساس گناه است یا افراد پس از چندی دچار احساس  
بیزاری از خود و سپس احساس گناه و آلودگی می شوند از این رو اعتماد به  
نفس خود را به طور کامل از دست داده و توان بازگشت به زندگی سالم را  
ندارند.

- برخی از این افراد دچار ضایعات جبران ناپذیر جسم می شوند و از طریق  
روابط جنسی بیماری خود را به دیگران منتقل می کنند. یکی از بیماری های  
حاصل روابطی از این نوع ایدز است ایدز در اثر آلوده شدن فرد به ویروس  
HIV به وجود می آید آلوده شدن به HIV می تواند سیستم ایمنی بدن را تا  
جایی وضعیت کند که دیگر قادر به مقابله با برخی از عفونت ها نباشد.

### فرار در منظر قانون

فرار، بخشی از رفتار ناسازگارانه ای است که کودکان و نوجوانان مرتکب می  
شوند که ابتدا برای رفع نیازهای مادی خود با پر کردن اوقات فراغت و رهایی از  
شرایط نامناسب محیط خانوادگی است و سپس به اعمال نابهنجار دیگری از قبیل  
دزدی و ولگردی و تجاوزات جنسی منتهی می شود.

قانون اساسی در بند ۵ اصل ۱۵۶ به موضوع اقدام مناسب برای پیشگیری از  
وقوع جرم و اصلاح مجرمین استناد کرده و آن را یکی از وظایف قوه قضائیه که  
باید پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت باشد

هرچند که گفته می شود قوای دیگری نیز باید در این موضوع فعال باشند و این سخن به جا و سزاواری است تا زمانی که فقط نفس فرار از منزل مطرح است و فرد دچار مشکل و گرفتاری دیگری به تبع فرار خود نشده می توان فقط عمل او را ناهنجاری به شمار آورد. ولی هنگامی که در پیامد فرار، خود با مسایل دیگری از جامعه دچار انحراف شده و اعمال او را می توان جرم نامید، به همین دلیل است که در روند و به افزایش آسیب های اجتماعی نگاه کارشناس به هسته اولیه جامعه یعنی خانواده معطوف می شود و جامعه را فرا می گیرد و به معضلی بزرگ تبدیل می شود این معضل آسیب های اجتماعی کنونی که به سرعت به درصدهای بالایی رسیده و بسیج همگانی را می طلبد

## عوامل اجتماعی فرار دختران از خانه

### (۱) شبکه روابط اجتماعی

فرد عضویت یافته در گروه های نایاب، ارزشهای نادرست گروه از جامعه نحوه مقابله برخورد با امر و نهی والدین نحوه مخالفت و به کرسی نشانیدن خواستها و تمایلات نفسانی در خانه ... را درونی میکند بر اساس تحقیقات حدود ۷۹ درصد جوانان به همانند سازی با دوستان خود می پردازند

### (۲) وسایل ارتباط جمعی



رسانه های موضوع فرار دختران را با ذکر جزئیات با هدف جذب مخاطب و فروش قبح مسئله تا حد بسیار زیادی در اذهان شکسته شده و به عنوان یک عمل عادی جلوه می نماید از سودی دیگر برخی از فیلمها و سریالهای تلویزیونی مشوق فرار از خانه است.

نقش رسانه های جمعی به ویژه ماهواره و اینترنت در رواج بی بند و باری اخلاقی مقابله با هنجارهای اجتماعی عدم پایبندی مذهبی و بلوغ زودرس نوجوانان در مسائل جنسی حائز اهمیت است.

۳) شهرنشینی شهرهای بزرگ گمنامی و جاذبه شهرهای بزرگ رفاه تجملات

شهری و امکانات مادی

۴) تغییر ارزشها

از یک سو جامعه بستر نوینی از ارزشهای اجتماعی مدرن را در مقابل دیدگان افراد قرار می دهد. از سوی دیگر فرد را با بن بستهای بسیاری در دستیابی به اهداف جدید مواجه می کند.

که همین امر شخصیت او را دچار دوگانگی می نماید.

۵) مشکلات اقتصادی

برخی از صاحب نظران مشکلات را علت عمده آسیبهای اجتماعی می دانند، فقر و توزیع ناعادلانه ثروت، به همراه فقر فرهنگی زمینه ساز انواع رفتارهای نا به هنجار می باشد تا مل آن است که محرومیت های اقتصادی عکس العملهای تند و

ضد اجتماعی را تحریک می کند زیرا مجازات را به حداقل می رساند و فرد به طور نمونه در زمان بیکاری و بحران اقتصادی در خانواده پدر با جانشین پدر تصمیمات نامناسبی نظیر اجبار دختر به ازدواج با مرد مسن ثروتمند یا اجبار دختر با اشغال در مشاغل غیر مجاز همانند خرید و فروش مواد مخدر را اتخاذ می کند و دختر خانواده نیز متعاقباً درصدد خواهد بود که خود را از این وضعیت اسف بار نجات دهد همین امر انگیزه فرار از خانه را در او تقویت می کند.

فشارها و مشکلات اقتصادی دو شغله بودن

در شرایطی که عضو مقتدر خانواده به واسطه اشغال در شغل دوم دیر وقت در منزل حضور داشته باشد و نظارت او بر اعضای خانواده کاهش یابد اعمال ضد اجتماعی نظیر فرار از خانه در جامه روبه گسترش خواهد بود

(۶) ضعف نظارت اجتماعی

که اکثر آنان برای کسب استقلال و آزادی روابط در خارج از خانه (جامعه) اقدام به فرار کرده اند.

خانواده ها به دلیل همین قضای نامناسب جامعه مجبور می شوند رفتار و ارتباطات اجتماعی دختران خود را محدود کنند و این محدودیت و کنترل دختران را با عقده های روحی روانی مواجه می نماید و آنان اساس خواهند کرد که خانواده آنها را درک نمی کند.

فرار از خانه نوجوانان و ترک اعضای خانواده، بدون اجازه والدین یا وصی قانونی خود، در واقع نوعی واکنش نسبت به شرایطی است که از نظر فرد نامساعد، غیرقابل تحمل و بعضاً تغییرناپذیر است. این عمل معمولاً به عنوان یک مکانیسم دفاعی به منظور کاهش ناخوشایندی و خلاصی از محرک های آزاردهنده و مضر و دستیابی به خواسته های موردنظر و عموماً آرزوهای دور و دراز انجام می شود. امروزه در اکثر کشورهای جهان، فرار از خانه به یک معضل جدی اجتماعی تبدیل شده است. براساس آمار سازمان بهداشت جهانی، سالانه یک میلیون نوجوان ۱۹-۱۳ ساله از خانه فرار می کنند که ۷۴ درصد آنها دختر هستند. در جامعه ایرانی نیز فرار دختران از خانه با توجه به هنجارها و ارزشهای دینی، خانوادگی و اجتماعی، به عنوان یک آسیب و مسئله اجتماعی مطرح است، هرچند آمار و ارقام دقیقی در اختیار نداریم، لیکن اخبار جراید و مطبوعات از روند رو به رشد این آسیب اجتماعی، کاهش میانگین سنی دختران فراری و ظهور پیامدهای ناگوار آن حکایت می کند. مطلبی که در پی می آید حاصل گفتگویی است با «سیده فاطمه محبی» پژوهشگر و کارشناس ارشد علوم اجتماعی، که علل و پیامدهای این مسئله را از ابعاد مختلف مورد تحلیل قرار داده است، با هم می خوانیم.

خانم محبی حجم قابل توجهی از اخبار صفحه حوادث مطبوعات به توصیف پدیده فرار از خانه دختران اختصاص دارد اما علل و انگیزه های این پدیده کمتر تحلیل

و تبیین شده است، تفسیر و تحلیل شما از علل و انگیزه های این دختران برای فرار از خانه چیست؟

آمار نشان می دهد انگیزه افراد فراری برحسب جنس، سن، تحصیلات و محیط زندگی متفاوت است اما انگیزه هایی نظیر اثبات وجود و جلب توجه اطرافیان و اجبار آنها برای اجرای تمایلات و خواسته های خویش، رهایی از خشونتها و آزارهای خانواده و کسب آزادی عمل در رفتارهای فردی و اجتماعی و لجاجت با خانواده و سلب آرامش و ایجاد بدنامی یا مشکل برای آنان و تحت فشار قراردادن دیگران برای تحقق خواسته های خود درخصوص زندگی آینده و موقعیت بهتر اقتصادی. و اما در مورد تبیین عوامل مؤثر در فرار دختران باید گفت: آسیب های اجتماعی نظیر فرار از خانه دارای زمینه ها و ابعاد مختلفی هستند. عوامل روانی اثرگذار که معطوف به عدم تعادل شخصیتی و اختلال در سلوک و رفتار است. این افراد عمدتاً دارای شخصیتی ضداجتماعی، خودشیفته، برون گرا و روان رنجور می باشند.

شخصیت های ضداجتماعی معمولاً مرتکب رفتارهای نابهنجاری می شوند که مورد قبول جامعه نمی باشد، ولی فرد خودش آن رفتارها را ناپسند نمی داند. بارزترین ویژگی شخصیت های ضداجتماعی خودمحوری، فریبندگی سطحی و ظاهری، عدم احساس مسئولیت، فقدان بینش نسبت به انگیزه های عمل می باشد.

آنها به پیامد عمل خود نمی اندیشند، در کارهای خود بی پروا و بی ملاحظه هستند و در پند گرفتن از تجربیات دیگران، بسیار ضعیفند. در قضاوت‌های خود یکسویه می باشند. این نوع شخصیتها عمدتاً از محیط خانه و مدرسه فرار می کنند. ولی در شخصیت‌های خود شیفته تمایل شدیدی به خودمحوری وجود دارد و پیوسته به تمجید و توجه دیگران نیازمندند و اغلب با رؤیاهایی در مورد موفقیت نامحدود و درخشان، قدرت، زیبایی و روابط عشقی آرمانی مشغول هستند. این گروه ممکن است مشکلات خود را منحصر به فرد بیندارند و اغلب این افراد والدینی داشته اند که نسبت به آنها محبت باثباتی نداشته یا سرد و طردکننده بوده اند یا بیش از حد به آنها ارج نهاده اند. این نوجوانان خودشیفته، چون خواسته ها و تمایلات درونی آنها در خانواده ارضاء نشده است، معمولاً گرایش به فرار از خانه دارند.

در شخصیت های برون گرا هم به دنبال لذت جویی آنی هستند و دم را غنیمت می شمارند، دوست دارند که در انواع میهمانی ها و جشن ها شرکت کنند، هیجان و ماجراجویی را دوست دارند و نمی توانند احساس خود را کنترل نمایند و بدون تأمل عمل می کنند. عمدتاً تحت تأثیرپذیری دیگران هستند. این افراد برای آنکه خود را ثابت کنند، هر تجربه ای را نظیر فرار از خانه، حتی اگر برای آنان گران تمام شود و مشکلاتی را ایجاد کند، انجام می دهند.

عامل دیگر وضعیت خانواده است. به اعتقاد صاحب‌نظران، خانواده در شکل دهی به زندگی و رفتار فرد تا حد زیادی مؤثر است. اگر خانواده با مشکلات و آسیب های

عدیده ای مواجه باشد، روند جامعه پذیری اعضای خانواده مختل می شود.  
خانواده های آسیب دیده در چهار دسته قرار می گیرند:

خانواده بی کفایت که فاقد منابع مادی یا روان شناختی مؤثر برای سازگاری با عوامل بحران زای زندگی بهنجار هستند و نمی توانند با مشکلات خانوادگی مقابله کنند.

خانواده ضد اجتماعی که به دلیل فقدان نهادینه شدن ارزشهای اجتماعی، افراد خانواده را به سوی رفتارهای نامطلوب تشویق می کند.

خانواده آشفته که با اختلالات رفتاری نظیر غیرمنطقی بودن، دعوا، تعارض و... مشخص می شود و اعضای آن دارای شخصیت های مخرب و غیرعادی هستند که فضای خانه را به نزاع و تنش می کشانند. والدین چنین خانواده هایی نمی توانند روابط مطلوب و درستی با فرزندان خود داشته باشند و فرزندان به حال خود رها شده اند و روابط آنها فاقد هر نوع نظارت صحیح می باشد و کارکرد تربیتی و کنترل غیررسمی خانواده تضعیف شده است.

لذا جوانان در مواجهه با چنین محیط متشنجی که نمی تواند حمایت های اجتماعی و عاطفی مؤثری برای اعضای خانواده داشته باشد، اقدام به فرار از خانه می کنند.  
فرزندان خانواده های ازهم گسیخته نیز به دلیل غیبت والدین به دلایل مختلف با

مشکلات عاطفی و تربیتی مواجه هستند. در این خانواده ها فرزندان دچار عصیان و سرکشی از مقررات خانواده و جامعه می شوند و عمدتاً ناسازگاری، درگیری با جانشین های والدین پیدا می کنند که زمینه فرار از خانه را در آنها تشدید می کند. همچنین مشکلات رفتاری در روابط اعضای خانواده نظیر خشونت، تبعیض، محدودیت و یا آزادی بیش از حد نیز نقش بسیار مهمی دارند. فرار از خانه یکی از بازتابهای خشونت خانگی است که به دلیل تأثیرات اجتماعی آن قابل تأمل است. اغلب نوجوانانی که قربانی خشونت های خانواده می شوند، با عقده های روانی دست به گریبان هستند. احساس می کنند که آدمهای بدبختی هستند که روی هیچ راحتی، آسایش و خوشبختی ندیده اند. مدام در حالت ترس، اضطراب و ناامنی هستند و بیشتر مواقع با خود تصمیم می گیرند که از این محیط دهشتناک بگریزند، لذا اعمال خشونتهای روحی، جسمی از سوی اعضای خانواده عامل بسیار مهمی در فرار برخی از دختران است. بسیاری از والدین آگاهانه یا ناآگاهانه با تبعیض بین فرزندان، موجب اختلاف بین آنها و دلسردی از زندگی می شوند. تبعیض در مواجهه با خطاها و اشتباهات فرزندان دختر و پسر و عدم اتخاذ رویه منطقی برای برخورد با خطاهای فرزندان و تنبیه تبعیض آمیز براساس برتری پسر بر دختر یا بالعکس موجب سلب اعتماد به نفس و بدبینی فرزندان نسبت به والدین می شود. اگر در شیوه تربیتی خانواده ها، فرزندان از آزادی و اختیار لازم، متناسب با سن و شرایط خویش محروم شوند، دچار احساس نارضایتی، تحقیر، تنفر و سرخوردگی از

خانواده می شوند، لذا از هر فرصتی جهت عدم پیروی از هنجارهای خانواده بهره می برند و درصدد هستند با فرار از خانه، از این محدودیت ها رهایی یابند و بالعکس نیز، توجه بیش از حد متعارف و در اختیار بودن امکانات فوق حد سنی فرزند (فرزندسالاری) هم می تواند زمینه مسایلی چون فرار از خانه را ایجاد نماید.

نوجوانی که بیشتر خواسته های وی محقق شده است، به محض ایجاد مشکلات و بحرانها و فشارهای زندگی که اجرای خواسته های او را مشکل می کند، خود را می بازد و راه چاره را فرار می بیند یا جوانی که، تمام خواسته های او را محقق کردند، به محض آنکه با یک خواسته نابجای وی مخالفت کنند به دلیل روحیه غیرمنطقی فرزند نازپروری و کاهش دامنه استقامت و آستانه تحمل در برابر مخالفت والدین از مکانیسم قهر و فشار و نهایتاً فرار از خانه استفاده می کند. در واقع شیوه تربیتی که محبت افراطی و بیش از حد را در پیش گرفته است، موجب می شود تجربه رنجها و مشقات و فراز و نشیب های زندگی از فرزند دریغ شود و او نتواند به خودسازی رفتاری بپردازد. این خانواده ها کودکانی خودخواه، بی توجه و بی ضابطه را بزرگ کرده اند (توجه کنید فقط بزرگ کرده اند، بدون تربیت و اصلاح) لذا در مواجهه با کوچکترین مخالفتی، سریع ترین راه، یعنی فرار از خانه را انتخاب می کنند.



شما به عوامل فردی و خانوادگی به تفصیل اشاره نمودید اما بفرمائید سهم عوامل اجتماعی در مقایسه با ویژگیهای فردی و شخصیتی در این پدیده چقدر است، به تعبیر دیگر فرد مقصر است یا اجتماع؟

وقتی نوجوان تعامل مثبت و صحیحی با اعضای خانواده ندارد و احساس شکاف نسلی و عاطفی با والدین می کند، به طوری که تصویر پدر و مادر در ذهنش افرادی منفور، مستبد و خشن است به سوی ارتباطات بیرون از خانه ترغیب می شود و سعی می کند جایگزینی را برای روابط عاطفی خود با پدر و مادرش بیابد. در اکثر این موارد نیز دختران به سوی گروه های ضداجتماعی و انحرافی کشیده می شوند و از آنجا که ناهنجاری رفتاری، طبق نظریه انتقال فرهنگی «ساترلند»، عموماً از طریق گروههایی نظیر دوستان یا خانواده آموخته می شود، زمینه های انحرافات اجتماعی در فرد شکل می گیرد. فرد اکثر اوقات خود را در این گروه های ناسالم دوستی می گذراند، پارتی های شبانه، جشن های مختلط و گشت و گذارهای دو نفره یا جمعی.... مقدمه گرایش به سوی دنیای نابسامانی است.

«اسگود» معتقد است هر چقدر میزان گذران جوان با گروه های همسن خود که امور خلاف در آنها هنجار است، بیشتر باشد، فرد هم‌رنگ و همانند آنها می شود و برای کسب احترام در گروه، به رفتارهای خودنمایانه نظیر فرار از خانه تشویق می شود. فرد عضویت یافته در گروه های ناباب، ارزشهای نادرست گروه از جمله

نحوه مقابله و برخورد با امر و نهی والدین، نحوه مخالفت و به کرسی نشاندن خواستها و تمایلات نفسانی اش را در خانه، ... درونی می کند و با دسترسی به فرصتهای نامشروع، آنها را به مرحله عمل می رساند. براساس تحقیقات حدود ۷۹ درصد جوانان به همانندسازی با دوستان خود می پردازند.

عامل دیگر، وسائل ارتباط جمعی هستند، که از دو طریق می توانند گرایش به فرار را در فرد ایجاد کنند. یکی آنکه ارزشهای خانوادگی و اجتماعی را در نظر فرد منسوخ شده و بی اعتبار می کنند و رفتارهای انحرافی را به نمایش می گذارند و از سوی دیگر می توانند موضوع فرار دختران را با ذکر تمام جزئیات منعکس کنند، (البته این کار اغلب با هدف جذب مخاطب انجام می شود). این اقدام موجب می شود که مخاطبین این رسانه ها نسبت به وضعیت دختران فراری که شرایط نامساعد و بغرنج خانه را تحمل نکرده اند، مطلع شوند و آنها نیز با همذات پنداری با شخصیت همین فیلم عمل را در مواجهه با مسایل خانواده تکرار کنند. فیلم نیز چاره فرد را فرار از خانه نشان می دهد و از سوی دیگر قبح مسئله تا حد بسیار زیادی در اذهان شکسته می شود و به عنوان یک عمل عادی جلوه می نماید.

درواقع این فیلم ها مشوق فرار از خانه هستند، ترویج روحیه استقلال طلبی غیرمنطقی در سنین نوجوانی، تنوع طلبی، عدم رعایت احترام به نظرات والدین و پرخاشگری نسبت به بزرگترها، ترویج فرزندسالاری، نمایش فرار جمعی از جوانان، بدون نمایش صحیح پشیمانی و ندامت آنها، می تواند در شیوع این پدیده مؤثر باشد.

فرار از خانه یک آسیب اجتماعی است، اما ظاهراً نوعی درهم تنیدگی بین عوامل اجتماعی و اقتصادی وجود دارد، به نظر شما نقش عوامل ساختاری اقتصادی چون فقر در دامن زدن به چنین معضل و مشکلی چقدر است؟

برخی صاحب‌نظران مشکلات اقتصادی را علت عمده آسیب‌های اجتماعی می‌دانند، البته این به مفهوم نگرش تک‌عاملی در تبیین انحرافات نمی‌باشد. به اعتقاد آنان عوامل اقتصادی در چگونگی زندگی فردی و اجتماعی تأثیرگذار است. در شرایطی که یک قشر از جامعه ما به آسانی ثروت‌های کلان و بادآورده دارند و شخصیت انسانها با ثروت و دارایی آنها سنجیده می‌شود و طبقات ضعیف جامعه، مدام احساس محرومیت، فقر و ناکامی می‌کنند، مسلماً سعی خواهند کرد که به هر طریق ممکن به اهداف و آرزوهای مادی خود دست یابند یا تصمیماتی بگیرند که مشکلات اقتصادی آنها برطرف شود. همین فشارهای اقتصادی اشتغال مضاعف نان‌آوران خانواده در مشاغل کاذب یا غیرمجاز را افزایش داده است. به طوری که والدین دوشغله نسبت به نیازهای جوانان، رفع مشکلات روحی و روانی و تربیت صحیح و شایسته آنها کم توجهی شده است. اشتغال در شغل دوم، عدم حضور مؤثر در خانه و ضعف یا فقدان نظارت بر روابط و رفتار اعضای خانواده اعمال ضداجتماعی نظیر فرار از خانه را افزایش می‌دهد.

فرار از خانه هر علت و انگیزه ای که داشته باشد به عنوان یک معضلی که سر به گشودن آغاز کرده پیامدهای فردی و اجتماعی قابل توجهی به دنبال دارد، تصویر شما از این پیامدها و عواقب چیست؟

هنگامی که دختری به هر دلیلی منطقی یا غیرمنطقی از خانه فرار می کند، خود و پیرامونش، یعنی خانواده و جامعه را تا شعاعی وسیع به طرق مختلف در معرض آسیب ها و خطرات بسیار زیادی قرار می دهد. فرار، آغاز بی خانمانی است و همین امر، زمینه ارتکاب بسیاری از جرائم را فراهم می کند. دختران فراری برای امرار معاش به سرقت، تکدی گری، توزیع موادمخدر، مشروبات الکلی و کالاهای غیرمجاز، روسپیگری، عضویت در باندهای مخوف اغفال و فحشاء اقدام می کنند. شکارچیان با اغفال این دختران که اغلب شهرستانی، ساده و بی آرایش می باشند و از اوضاع و احوال شهرهای بزرگ خبر ندارند، تمام اموال شان را به سرقت می برند و پس از تجاوز به عنف، یا آنها را رها می کنند و یا پس از شکنجه و آزار به دلیل ناشناخته بودن و غربت، می کشند. برخی از باندهای فحشاء نیز اقدام به انتقال دختران فراری به کشورهای دیگر، تجارت سکس و فروش اجزای بدن آنها می کنند. همچنین فرار دختران می تواند بزرگترین لطمه و ضربه برای حیثیت و شرافت خانوادگی فرد باشد. این عمل اولاً نشانه ای از ناکارآمدی خانواده در تربیت فرزند، شکاف نسلی بین والدین و فرزندان و اختلافات خانوادگی است و ثانیاً از

آنجا که فرجام فرار دختران در اکثر موارد چنانچه ذکر گردید گرفتار آمدن در دایره تنگ باندهای فساد و فحشاء و ارتکاب جرایم اخلاقی است، لذا فرار به مفهوم لکه ننگ برای خانواده محسوب می شود.

جامعه شناسان معتقدند پدیده های اجتماعی همچون حلقه های زنجیر به هم متصل اند به طوری که افزایش نرخ آسیب هایی چون طلاق، بیکاری، اعتیاد، ... منجر به افزایش آسیبی نظیر فرار دختران می شود و نکته قابل توجه تر آنکه فرار دختران از خانه نیز به افزایش نرخ مفاسد اجتماعی (فعالیت باندهای تجارت دختران، باندهای فحشاء و اعتیاد و...) منتهی می گردد که ضمن لکه دار نمودن عفت عمومی و شکستن حریم های اخلاقی، بهداشت روحی روانی اعضای جامعه را تهدید نموده و آسیب جدی بر سلامت جامعه وارد نمایند.

مهار آسیب های اجتماعی به دلیل چند علتی بودن از یک طرف و گره خوردن با سایر مسائل و مشکلات فردی و اجتماعی از سوی دیگر به غایت بغرنج و پیچیده است، شما برای جلوگیری و مهار این معضل اجتماعی چه راهکارهایی را پیشنهاد می کنید؟

دختران فراری از بین اقشار مختلف می باشند، با انگیزه ها و علل گوناگونی اقدام به فرار می کنند و پیامدهای فرار آنان خانواده و جامعه را تهدید می کند. در این

راستا پیشنهادهای ذیل به منظور مقابله قطعی تر نسبت به معضل فرار دختران از خانه ارایه می گردد:

توجه و رسیدگی به نهاد خانواده و سعی در رفع مشکلات مختلف تربیتی، اقتصادی، فرهنگی آنها از طریق دولت.

احیای سنتهای دینی و حاکمیت ارزشهای اجتماعی اسلام نظیر وجوب احترام به والدین، رسیدگی به خویشان، نظارتهای فامیلی چون ولایت پدر، جد پدری، برادر بزرگتر که در واقع به نوعی حمایت اجتماعی است. فرد در پیچ و خم مشکلات احساس تنهایی نمی کند و روحیه و اعتماد به نفس خود را حفظ خواهد کرد. نظر به اینکه با استناد به اطلاعات و تحقیقات، بیشتر دختران فراری از بین خانواده های نابسامان بوده و اغلب فرزندان طلاق هستند، به کارگیری تمام تمهیدات جهت پیشگیری و کاهش نرخ طلاق از طریق تقویت مراکز مشاوره و فرهنگسازی جهت شرکت در کلاسهای آموزش حقوق و تکالیف همسران قبل از عقد رسمی، ضروری است. نهایتاً چنانچه خانواده ای به دلیل مختلف از هم گسسته شد، می توان خانواده را موظف نمود که وضعیت حضانت و تربیت فرزندان را به سازمانی که از سوی دولت مشخص می شود، گزارش نماید و این سازمان در رفع مشکلات فرزندان چنین خانواده هایی تلاش می نماید و نسبت به رفع خشونت ها و مشکلات این خانواده ها اقدام نماید.

اعمال مجازات های بسیار سنگین، علنی و جدی (در ملاءعام) برای باندهای فساد، اغفال، تجارت جنسی؛ قانونمند نمودن نحوه درج اخبار مربوط به بخش حوادث و ممانعت از سوء استفاده از بیان جزئیات فرار به دلیل بدآموزی و اشاعه منکرات و جلوگیری از قهرمان سازی مطبوعاتی از این عاملین؛ به کارگیری نیروهای مردمی و سازمانهای غیردولتی جهت اطلاع رسانی از وضعیت دختران تحت خشونت و نیز حمایت های مالی به کودکان بی سرپرست؛ تقویت نظارتهای اجتماعی رسمی و دولتی و نیز نظارتهای مردمی و محلی از جمله امر به معروف و نهی از منکر جهت پاکسازی فضای جامعه و تعدیل آزادی های اجتماعی، پیشنهادهای است که اگر به کار گرفته شوند می توانیم این معضل اجتماعی را مهار کنیم.

## پیامدهای فرار دختران از خانه

### پیامدهای فردی

فرار، آغاز خانمانی و بی پناهی است دختران فراری برای امرار معاش به سرقت تکدی گری توزیع مواد مخدر مشروبات الکلی و کالاهای غیر مجاز روسپیگری عضویت در باندهای مخوف و کثیف اغفال و فحشاء ارتکاب به انواع جرائم و فساد اخلاقی موجب می شود که دچار انواع بیماریها و اختلاف روحی و روانی شوند و برخی از آنها به دلیل سرافکنندگی ناشی از تجاوزات دست به خود کشی می زنند.

### پیامدهای خانوادگی

لطمه و ضربه برای حیثیت و شرافت خانوادگی اولاً نشانه ای از نا کار آمدی خانواده در تربیت ثانیاً از به مفهوم لکه ننگ و بدنامی برای خانواده محسوب می شود و بدین لحاظ است که فرار دختران، کمتر توسط خانواده ها گزارش می شود و اغلب پس از بی نتیجه ماندن جستجوها و تلاشهای خانوادگی فرار دختر با عنوان فقدان دختر (دزدیده شدن او) به مراجع قضایی گزارش می شود. از طرف دیگر دختران فراری با درگیر شدن در مسائیل غیراخلاقی نمی توانند به خانواده باز گردند در صورت بازگشت به منزل نیز همراه با مشکلات مضاعف خواهد بود.



الف) - افزایش نرخ مفاسد اجتماعی

ب) - تهدید بهداشت اخلاقی و روانی جامعه

ج) - تحمیل هزینه های اجتماعی

اکنون به ارایه چند پیشنهاد در زمینه پیشگیری از فرار دختران و پسران از منزل و نیز کاهش آمار جرایم مربوط مبادرت می گردد:

۱) تولید برنامه های آموزشی در زمینه چگونگی تربیت فرزندان و پخش آن از

طریق رسانه های گروهی به ویژه صدا و سیما

۲- زمینه سازی رشد اخلاقی نوجوانان و جوانان بر اساس معیارهای صحیح اسلامی و ارزش توسط متولیان مذهبی و فرهنگی جامعه.

۳- ایجاد مراکز مشاوره و دسترسی آسان خانواده ها و فرزندان آنان به این مراکز

۴- فعال تر نمودن نقش مربیان و معلمان مدارس در جهت هدایت و حمایت از دانش آموزانی که در محیط خانوادگی دارای مشکلات روحی می باشند.

۵- کنترل و نظارت مناسب و مفید والدین در انتخاب دوست توسط فرزندان و یاری آنان در درستی این گزینش

۶- توجه نمودن به تاخیر فرزندان در بازگشت به منزل

۷- نظارت و مراقبت در وضعیت تحصیل فرزندان و سعی در جلوگیری از ترک تحصیل آنان با استفاده از روش های درست و منطقی

۸- فراهم نمودن زمینه ازدواج برای جوانان و برطرف نمودن موانع آن.

۹- دوری از سخت گیری های بی مورد خانواده در ازدواج فرزندشان با فرد مورد نظر خود.

۱۰ جلوگیری از قهر و ترک منزل و در صورت رخ دادن آن تلاش گسترده برای بازگرداندن سریع او به محیط خانواده

۱۱- ایجاد امکانات جداسازی متهمین کم سن و سال از متهمین بزرگسال و سابقه دار در بازداشتگاههای موقت.

۱۲- بهره از روانشناسان مجرب در نیروی انتظامی و مراکز ویژه به منظور تعدیل نمودن نگرانی های روحی فرزندان فراری و خانواده آن.

۱۳ استفاده از بانوان مجرب و متخصص در نیروی انتظامی و همچنین در مراکز نگهداری دختران فراری به منظور برخورد صحیح و اصولی با آنان.

صفحه	فهرست مطالب
۱	مقدمه
۳	تعریف واژه ها و اصطلاحات
۵	دختران فراری
۵	انواع فرارها
۶	علل فرار
۹	فرار برای راحت زندگی کردن
۹	فرار برای ساختن آینده ای بهتر
۹	عامل ها و زمینه های فرار
۱۰	برخی علت های مهم فرار چنین بیان شده است
۱۲	فرار دختران در گذشته
۱۴	افزایش فرار دختران
۱۵	فرار در منظر قانون
۱۶	عوامل اجتماعی فرار دختران از خانه
۳۲	پیامد های فرار دختران از خانه
۳۲	پیامد های فردی
۳۲	پیامدهای خانوادگی